

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

استدلال به آیه شریفه «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى» برای اثبات وجوب تعیین نماز جمعه در عصر غیبت، بر این مبنا استوار است که صلاة وسطی در روایات متعدد به نماز ظهر تفسیر شده و به قرینه روایت مرسل امیرالمؤمنین علیه السلام و نزول آیه در روز جمعه، در آن روز بر نماز جمعه تطبیق می شود؛ از این رو، آیه با امر به «محافظة» شامل نماز جمعه نیز خواهد بود.

با این حال، در برابر این استدلال دو اشکال اساسی مطرح شده است؛ نخست آن که به نظر برخی، از جمله مرحوم آیت الله خویی، صلاة وسطی یا نماز ظهر است یا عصر و تفسیر آن به جمعه مستند معتبر ندارد؛ و دوم آن که امر «حافظوا» ارشادی و ناظر به نمازهای واجبی است که مشروعیت و شرایط آنها از پیش در شریعت ثابت شده است، نه در مقام تشریع اصل وجوب یا بیان اطلاق آن نسبت به همه اعصار. بنابراین، حتی با پذیرش تطبیق صلاة وسطی بر نماز جمعه، آیه شریفه به تنهایی توان اثبات وجوب تعیین نماز جمعه در عصر غیبت را ندارد و برای اثبات این مدعا باید به ادله دیگر از سنت و سیره قطعی تمسک جست.

استدلال به آیات بر وجوب تعیین نماز جمعه در عصر غیبت

بحث در این است که آیا از روایات، وجوب تعیین نماز جمعه در عصر غیبت استفاده می شود یا خیر. در منابع روایی، بیش از دویست روایت در باب نماز جمعه نقل شده است که فقها این روایات را دسته بندی کرده و بر اساس مضامین آنها به طوایف گوناگون تقسیم کرده اند.

مرحوم آقای حائری (قدس سره) این روایات را به صورت مفصل بررسی کرده و آنها را در چهار طائفه دسته بندی کرده اند. مرحوم آقای بروجردی (قدس سره) این روایات را در سه طائفه مطرح کرده اند. مرحوم آقای خویی (قدس سره) همه روایات را نقل نکرده اند، اما بخش عمده آنها را مطرح کرده و نظر نهایی خود را بیان نموده اند.

دیدگاه فقها در مدلول روایات

در مجموع، سه دیدگاه اصلی در این مسئله وجود دارد:

1. دیدگاهی که بر اساس آن از روایات، وجوب تعیین نماز جمعه حتی در عصر غیبت استفاده می شود، مانند نظر مرحوم آقای حائری و گروه اندکی از فقها.
2. دیدگاهی که بر اساس آن از این روایات وجوب تعیین استفاده نمی شود، مانند نظر مرحوم آقای بروجردی و دیگران که معتقدند این روایات در مقام تشریع وجوب نماز جمعه قرار نگرفته اند تا بتوان از آنها وجوب تعیین «بر هر مکلف» را استفاده کرد.
3. دیدگاه مرحوم آقای خویی است که بر اساس آن، وجوب تعیین از این روایات به نحو اطلاق استفاده می شود، اما چون

اطلاق تنها در صورت نبودِ قرینه مخالف حجت است و در این مسئله قرینه مخالف وجود دارد، این روایات باید بر وجوب تخیری حمل شوند.[1]

طائفه اوّل: روایات ناظر به تعداد فرائض

طائفه اوّل شامل روایاتی است که ناظر بر تعداد فرائض است و یکی از این فرائض، نماز جمعه برشمرده شده است و از این طریق بر وجوب نماز جمعه دلالت می‌کند، این روایات در مقام تبیین اصل وجوب قرار دارد و نه در مقام بیان شرایط و قیود، و اگر در ضمن آن‌ها به برخی شرایط اشاره شده باشد، این اشاره به صورت تبعی و ضمنی انجام شده است. مراد از این طائفه، اثبات اصل وجوب نماز جمعه است و ناظر به بیان کیفیت و شرایط آن نیست.

صحیح زرارہ

نخستین روایت از این طائفه، روایتی است که هم صدوق، هم شیخ طوسی و هم کلینی آن را نقل کرده‌اند و از جهت سند، صحیح به شمار می‌آید. این روایت به نقل از زرارہ از امام باقر (علیه السلام) در باب نماز جمعه وارد شده است و از جهت سند، اشکالی بر آن وارد نیست.

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّمَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى النَّاسِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ خَمْسًا وَثَلَاثِينَ صَلَاةً مِنْهَا صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي جَمَاعَةٍ وَهِيَ الْجُمُعَةُ وَوَضَعَهَا عَنْ تِسْعَةِ عَنِ الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ وَالْمَجْنُونِ وَالْمُسَافِرِ وَالْعَبْدِ وَالْمَرْأَةِ وَالْمَرِيضِ وَالْأَعْمَى وَمَنْ كَانَ عَلَى رَأْسِ فَرَسَخَيْنِ [2]

در این روایت آمده است که خداوند متعال در فاصله هر جمعه تا جمعه دیگر، سی و پنج نماز واجب بر مردم مقرر کرده است؛ یعنی در طول هفت روز، هر روز پنج نماز واجب تشریع شده است و مجموع آن‌ها به سی و پنج نماز می‌رسد. سپس در ادامه روایت تصریح شده است که از میان این نمازهای واجب، یک نماز وجود دارد که خداوند متعال آن را به صورت مقید به جماعت واجب کرده است، و آن نماز، نماز جمعه است.

پس از آن، در روایت بیان شده است که وجوب این نماز از نه گروه برداشته شده است؛ از جمله صبی، سالخورده، مجنون، مسافر، برده، زن، بیمار، نابینا، و کسی که فاصله او تا محل اقامه نماز، دو فرسخ باشد.

دلالت روایت بر وجوب تعیینی

دلالت این روایت بر وجوب نماز جمعه از این جهت است که تعبیر «مِنْهَا» ناظر به مجموع سی و پنج نماز واجب در طول هفته است، و جمله «صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ عَلَى النَّاسِ» نشان می‌دهد که یکی از این نمازهای واجب - که همان نماز جمعه است - بر مردم واجب شده است. این اطلاق اقتضا می‌کند که وجوب نماز جمعه محدود به زمان خاصی نباشد، بلکه هم در عصر حضور و هم در عصر غیبت به صورت وجوب تعیینی ثابت باشد.

اشکال اول مرحوم بروجردی بر استدلال: دلالت روایت بر وجوب حضور پس از انعقاد

مرحوم آیت الله بروجردی (رضوان الله علیه) در اشکال به استدلال به این روایت، بیان می‌کند که این روایت در مقام بیان وجوب تعیینی نماز جمعه قرار ندارد، و به طریق اولی، دلالتی بر اثبات وجوب تعیینی آن بر همه افراد، حتی بدون اذن امام ندارد.

به نظر ایشان، روایت در مقام بیان وجوب حضور در نماز جمعه و وجوب سعی به سوی آن است، آن هم پس از آن که انعقاد نماز جمعه با شرایط معتبر آن تحقق یافته باشد. بنابراین، مراد از روایت، وجوب اقامه نماز جمعه نیست بلکه وجوب حضور در آن پس از تحقق آن است. بر این اساس، هرگاه نماز جمعه‌ای با شرایط معتبر خود منعقد شود، حرکت به سوی آن و شرکت در آن بر مردم واجب می‌شود.[3]

موید اول: استثنا نه گروه در روایت

مرحوم آیت الله بروجردی استثناء نه گروه را شاهی بر این معنا می‌داند؛ زیرا این استثناءها ناظر به رفع وجوب حضور از این افراد است. مریض، نابینا، کودک، زن و سایر افراد یادشده مکلف به حضور در نماز جمعه نیستند، و این امر نشان می‌دهد که شارع از ابتدا وجوب اقامه را از آنان برداشته است، بلکه پس از تحقق نماز جمعه، وجوب حضور از آنان برداشته شده است. [4]

موید دوم: خصوصیت «من کان علی رأس فرسخین» در استثنا

از نظر مرحوم بروجردی با دقت در استثنا در روایت، این نکته مطرح می‌شود که معقول نیست گفته شود شارع از ابتدا وجوب اقامه نماز جمعه را از این افراد برداشته است، بلکه مقصود آن است که اگر نماز جمعه‌ای با شرایطش منعقد شد، حضور این افراد در آن واجب نباشد. به‌ویژه مورد «مَنْ كَانَ عَلَى رَأْسِ فَرْسَخَيْنِ» که شخصی را در فاصله دو فرسخی از محل نماز در بر می‌گیرد، قرینه روشنی بر این معنا است؛ زیرا طبق نظریه وجوب تعیینی نماز جمعه در عصر غیبت، چنین فردی مکلف به حضور نماز جمعه نیست اما مکلف به انعقاد نماز جمعه در محل زندگی خود است، بنابراین اگر روایت ناظر به وجوب انعقاد بود می‌بایست این وجوب انعقاد بر مکلف را بیان می‌کرد، بنابراین عدم ذکر وجوب تشکیل نماز جمعه در فاصله بیش از دو فرسخی بر عدم نظارت روایت بر وجوب انعقاد دلالت دارد. [5]

موید سوم: عبارت «فَرَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي جَمَاعَةٍ»

نکته سوم در کلام مرحوم آیت الله بروجردی مربوط به تعبیر «فَرَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي جَمَاعَةٍ» است. ایشان تصریح می‌کند که هرچند این تعبیر معمولاً به جماعت مصطلح فقهی حمل می‌شود، به این معنا که نماز جمعه به صورت فرادا صحیح نیست، اما احتمال دیگری نیز وجود دارد، و آن این است که مراد از «جماعة»، صرف جماعت فقهی نباشد بلکه اجتماع مردم به نحوی باشد که با شأن نماز جمعه تناسب داشته باشد. به تعبیر ایشان، ممکن است مقصود از این واژه، اجتماع متناسب با نماز جمعه باشد، نه جماعت مصطلح. [6]

بنابراین با بیان این سه موید، مرحوم بروجردی استدلال به این روایت در جهت اثبات وجوب تعیینی نماز جمعه در عصر غیبت را صحیح نمی‌داند.

دیدگاه مرحوم حائری در پاسخ به اشکالات به استدلال به روایت

مرحوم آقای حائری در برابر نکات مطرح شده از سوی مرحوم آقای بروجردی (رضوان الله علیه) به تحلیل و نقد آن‌ها می‌پردازد و پس از نقل صورت استدلال، پاسخ خود را بیان می‌کند. ایشان تصریح می‌کند که تقریر استدلال بر اساس این روایت آن است که خبر، به دلالتی مستقل، بر وجوب نماز جمعه و فریضه بودن آن دلالت می‌کند، و این دلالت وابسته به قرینه یا قید خارجی نیست بلکه از متن روایت به دست می‌آید. [7]

عدم دخالت قید «فی جماعة» در اصل دلالت

مرحوم آقای حائری بیان می‌کند که قید «فی جماعة» در اصل مطلوب شارع و مقصود امام (علیه السلام) نقشی ایفا نمی‌کند، زیرا روایت در مقام شمارش نمازهای واجب وارد شده و در ضمن آن اعلام می‌کند که نماز جمعه از فرائض است. به نظر ایشان، چه این قید ذکر شود و چه حذف گردد، به اصل مقصود که بیان فریضه بودن نماز جمعه است آسیبی وارد نمی‌شود، و از این رو، روایت به دلالتی مستقل بر وجوب نماز جمعه دلالت می‌کند. [8]

ایشان با این تفسیر از قید «فی جماعة» گویا این پاسخ را به اشکال مرحوم بروجردی داده اند که پس از کنار گذاشتن نقش قید «فی جماعة»، دیگر نمی‌توان ادعا کرد که روایت در مقام بیان عدم وجوب اقامه است. به بیان دیگر، این تصور که روایت تنها ناظر به وجوب حضور است، ناشی از تکیه بر این قید است، و با حذف آن، روایت همانند این تعبیر خواهد بود که خداوند نماز

جمعه را بر مردم واجب کرده است، و چنین تعبیری ظهور روشنی در اصل وجوب دارد.

نقد تفسیر «جماعة» به معنای حضور امام

ایشان در ادامه به تفسیر مرحوم آقای بروجردی از واژه «جماعة» که آن را به معنای «اجتماع متناسب با شأن جمعه» یا کنایه از حضور امام معصوم یا منصوب از سوی امام دانسته بود، اشکال می‌کند و تصریح می‌کند که چنین برداشتی خلاف ظاهر است، زیرا کنایه گرفتن از جماعت برای اراده امام در محاورات عرفی معهود نیست، و دلیلی برای اینگونه بیان وجود ندارد.[9]

البته ظاهر عبارات مرحوم بروجردی این نیست که لزوماً قید «جماعة» کنایه از وجود امام معصوم (ع) باشد، بلکه مقصود آن تعدادی است که متناسب مقام نماز جمعه باشد. مشروعیت نماز جمعه با حضور پنج نفر حاصل می‌شود، ولی در این روایت وجوب حضور وقتی محقق می‌شود که اجتماع قابل توجهی شکل گرفته باشد.

استدلال به جمله «مَنْ كَانَ عَلَى رَأْسِ فَرَسَخَيْنِ»

از نظر مرحوم بروجردی، استثنای «مَنْ كَانَ عَلَى رَأْسِ فَرَسَخَيْنِ» در روایت، ناظر به شخصی است که در فاصله‌ی دو فرسخی از محل نماز قرار دارد و شارع، تنها وجوب حضور او را برداشته است. اگر روایت درباره‌ی وجوب اقامه بود، باید بر تکلیف انعقاد نماز جمعه برای چنین فردی تصریح می‌کرد، در حالی‌که چنین ذکری در روایت وجود ندارد.

مرحوم آقای حائری در پاسخ، فاصله‌ی دو فرسخ را حدی برای فرد متمکن از شرکت در نماز جمعه دانسته‌اند؛ خواه این شرکت از راه عقد و برپایی نماز جمعه باشد یا از راه حضور در نماز جمعه منعقد. بنابراین، کسی که توان حضور یا انعقاد نماز جمعه را در محدوده‌ی دو فرسخ دارد، باید به آن اقدام کند، اما اگر از این فاصله بیرون است و حضور در نماز جمعه یا انعقاد آن جز با طی بیش از دو فرسخ ممکن نیست، وجوب از او برداشته می‌شود. از دید ایشان، مقصود از عبارت «علی رأس فرسخین» آن است که کسی که خارج از این محدوده است، نه عقداً و نه سعيًا مکلف به اتیان نماز جمعه نیست، اما فردی که در محدوده‌ی دو فرسخ قرار دارد باید یا نماز جمعه را منعقد کند یا در نماز منعقدی نزدیک شرکت کند.[10]

به تعبیر آقای حائری، امام (ع) در این روایت می‌خواهد بفرماید برای کسی که در رأس دو فرسخ یا بیشتر قرار دارد نماز جمعه واجب نیست، ولی کسی که در حد دو فرسخ است و توان حضور یا انعقاد دارد، باید آن را انجام دهد؛ مثلاً اگر در فاصله‌ی حدود دو کیلومتری با جمعی پنج‌نفره قرار دارد، واجب است نماز جمعه را منعقد کند.

نقد دیدگاه آقای حائری

این برداشت همان‌طور که از ظاهر عبارت برمی‌آید با تکلف همراه است، زیرا ظاهر «مَنْ كَانَ عَلَى رَأْسِ فَرَسَخَيْنِ» صرفاً نفی وجوب حضور و سعی به سوی نماز جمعه منعقد را می‌رساند. در این روایات، فرض بر این است که نماز جمعه‌ای بالفعل برقرار است و سخن از وجوب حضور در آن است، نه از وجوب ایجاد و انعقاد آن.

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

[1] «و لا يخفى أن هذه الروايات الكثيرة العدد وإن كانت قوية السند واضحة الدلالة على الوجوب كما عرفت، و لا مجال للتشكيك في شيء منها، غير أنها برمتها لا تدل على الوجوب التعييني بخصوصه إلا بالإطلاق، و إلا فلا صراحة في شيء منها في ذلك، و إنما الصراحة و الظهور في أصل الوجوب الجامع بينه و بين التخييري، و الإطلاق و إن كان حجة يعول عليه في تعيين الأول كلما دار الأمر بينهما كما ذكر في محله [1] إلا أنه مقيد بعدم قيام القرينة على التقييد، و في المقام شواهد و قرائن تمنع من إرادة الوجوب التعييني، فلا مناص من الحمل على التخييري.» (موسوعة الإمام الخوئي، ج 11، ص 22).

[2] تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، ج 7، ص 295.

[3] « و لا يخفى أنه ليس بصدد بيان وجوب إقامة الجمعة فضلا عن وجوبها على كل أحد و إن لم يؤذن له من قبل الإمام عليه السلام، و لا في مقام بيان شروط الاعتقاد، بل هو بصدد بيان وجوب حضور الجمعة و السعي إليها بعد ما فرض انعقادها بشرائطها» (البدر الزاهر في صلاة الجمعة و المسافر، ص 23).

[4] « و يشهد لذلك استثناء الذين لا يجب عليهم الحضور من التسعة المذكورة في الحديث.» (همان).

[5] « و الحاصل أنه بالدقة في الحديث يعلم كونه في مقام بيان وظيفة الناس بالنسبة إلى الجمعات المعقودة، و أنه يجب عليهم حضورها إلا على التسعة المذكورين و منهم من بعد عن الجمعة المنعقدة بفرسخين.» (همان).

[6] « و قوله «في جماعة» يحتل أن يكون المراد منها اجتماع الناس بنحو يناسب الجمعة لا الجماعة المصطلحة، و هذا أيضا شاهد آخر على كون الحديث في مقام بيان وجوب الحضور بعد اجتماع الناس.» (همان).

[7] « فإن الخبر الشريف يدلّ على وجوب الجمعة و كونها من الفرائض، بدلالة مستقلة لا تتبع دلالة على وجوب الاجتماع فيها» (صلاة الجمعة (حائري)، ص 131).

[8] « و لا يمكن حينئذ أن يقال: إنه بصدد بيان اشتراط صلاة الجمعة بالجماعة في ظرف وجوبها، بل هو بصدد بيان أنها من الفرائض، و أن كيفية فرضها مقرونة بالاجتماع.» (همان).

[9] « و كون المقصود بالجماعة، هي الجماعة المناسبة للجمعة التي فيها الإمام أو المنصوب - حتى يكون الجماعة كناية عن وجود الإمام - خلاف الظاهر قطعا، بل مما يقطع بخلافه، فإن الكناية بالجماعة عن وجود الإمام فيها، مما لم يعهد في المحاورات العرفية و لا داعي إلى المعنى في المقام.» (همان).

[10] « و الإيراد على دلالة من جهة قوله في الذيل: «و من كان على رأس فرسخين» بكونه قرينة على أنه في مقام بيان وجوب السعي إلى الجمعة المنعقدة لا إقامة الجمعة. مدفوع: بأن المسافة المذكورة حدّ للمتمكّن من الإتيان بالجمعة عقدا أو سعيًا إلى الجمعة المنعقدة. فمن تمكّن من الإتيان بالجمعة في المسافة المذكورة، يجب ذلك و لو لم يكن في البين جمعة منعقدة، لو لا إقدامه عليها، كالإمام أو المنصوب على فرض الاشتراط و العدد المشروط إقامة الجمعة به، فإنه يجب عليهم الاجتماع في المسافة المذكورة، لا فيما إذا كانوا خارجين عنها، و حينئذ فالمقصود عدم وجوب الجمعة على من يكون خارجا عن المسافة المذكورة و لم يتمكّن من عقد الجمعة أو السعي إلى المنعقدة إلا بطي أكثر من فرسخين. و قد مرّ بعض الكلام في ذلك فيما مضى.» (همان، 132).

منابع

- بروجردی، حسین، البدر الزاهر في صلاة الجمعة و المسافر، قم - إيران، مكتب آية الله العظمى المنتظري، 1416.
- حائري، مرتضى، صلاة الجمعة (حائري)، قم - إيران، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي، 1418.
- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم - إيران، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، 1416.
- خویی، سيد ابوالقاسم، موسوعة الإمام الخوئي، قم - إيران، مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي، 1418.